



مقطع تحصیلی: کاردانی کارشناسی رشته: معماری داخلی. ترم: دوم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹

نام درس: مبانی معماری نام و نام خانوادگی مدرس: شیما نادری
آدرس email مدرس: shima.naderii@gmail.com تلفن همراه مدرس:

جزوه درس: مبانی معماری مربوط به هفته : نهم
text: دارد ندارد
voice: دارد ندارد
power point: دارد
تلفن همراه مدیر گروه :

جلسه نهم

بررسی و شناخت پدیده های فیزیکی و روابط بین آنها بدون توجه به مفاهیم و درک شهودی از فضا و زمان چندان مانوس به نظر نمی رسد. مفهوم و درک فضا و زمان نیز مانند سایر کمیت های فیزیکی روندی پویا دارد و در طول تاریخ دستخوش تغییرات زیادی شده است. بویژه بعد از نسبییت مفاهیم فضا و زمان و درک بشر از آنها دچار تغییر زیادی شده است

–فضا(Space)

- واژه ای است که در زمینه های متعدد و رشته های گوناگون از قبیل فلسفه، جامعه شناسی، معماری و شهرسازی بطور وسیع استفاده می شود. لیکن تکثر کاربرد واژه فضا به معنی برداشت یکسان از این مفهوم در تمام زمینه های فوق نیست، بلکه تعریف فضا از دیدگاه های مختلف قابل بررسی است. مطالعات نشان می دهد با وجود درک مشترکی که به نظر می رسد از این واژه وجود دارد، تقریباً توافق مطلقی در مورد تعریف فضا در مباحث علمی به چشم نمی خورد و این واژه از تعدد معنایی نسبتاً بالایی برخوردار است و تعریف مشخص و جامعی وجود ندارد که دربرگیرنده تمامی جنبه های این مفهوم باشد. از این رو در این یادداشت به ذکر برخی کلیات در مورد مفهوم فضا بسنده می کنیم .
- فضا یک مقوله بسیار عام است. فضا تمام جهان هستی را پر می کند و ما را در تمام طول زندگی احاطه کرده است. فضا به محیط زیست اطراف ما احساس راحتی و امنیت می بخشد که اهمیت آن در یک زندگی لذت بخش از نور آفتاب و محلی برای آرامش کمتر نیست. هرکاری که انسان انجام می دهد، دارای یک جنبه فضایی نیز است، به عبارتی هر عملی که انجام می شود، احتیاج به فضا دارد.

از نظر ارسطو فضا مجموعه ای از مکان هاست. او فضا را به عنوان ظرف تمام اشیاء توصیف می نماید. ارسطو فضا را با ظرف قیاس می کند و آن را جایی خالی می داند که بایستی پیرامون آن بسته باشد تا بتواند وجود داشته باشد و در نتیجه برای آن نهایتی وجود دارد. در حقیقت برای ارسطو فضا محتوای یک ظرف بود.

تئوری های مربوط به فضا بر اساس هندسه اقلیدسی بیان می شد، بطوری که مشخصه تفکر یونانیان در مورد فضا در تفکرات اقلیدس یا هندسه اقلیدسی قابل مشاهده است. اقلیدس با جمع آوری کلیه قضایای مربوط به هندسه در میان مصری ها، بابلی ها و

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



هندوها علم جدید هندسه را پایه‌گذاری نمود که سیستمی مبتنی بر انتزاع ذهنی بود. فضای اقلیدسی فضایی یکسان، همگن و پیوسته بود که در آن هیچ چاله، برآمدگی یا انحنایی وجود نداشت.

فضا در قرون وسطی و رنسانس

در قرون وسطا و حتی رنسانس ، بحث فضا بیشتر در حیطه اندیشه های افلاطون و ارسطو دور می زد و اندیشمندان قرون وسطا از جمله سنت آگوستین ، تحت تاثیر اندیشه های افلاطون ، به مبحث فضا می پرداختند . فضا در دوره رنسانس با تعاریف نیوتن تکمیل شدو به مفهوم فضای سه بعدی و مطلق و متشکل از زمان و کالدهایی که آن را پر می کنند، در آمد .دکارت بر خصوصیت متافیزیکی فضا تاکید دارد، ولی در عین حال با تاکید بر فیزیک خالص و مکانیکی اصل سیستم مختصات راست گوشه را برای شناسایی کردن وسعت ها بکار برد.بعد از رنسانس به تدریج مفاهیم فضا از موجودیت واقعی آن جدا و بیشتر به جنبه متافیزیکی آن توجه شد.ولی در زمینه های علمی فضا مفهوم مکانی بیشتری پیدا کرد.

–فضا در دوران مدرن

با رویکرد اندیشه مدرن ، نحوه نگرش به فضا به معنای امروزی آن که برگرفته از واژه اسپیس است ، نزدیک تر شد . تعریف های زیادی که از واژه فضا رانه می شود ، نشان دهنده گسترش معنای معاصر واژه فضا است . به عنوان نمونه ، می توان به چنین مواردی اشاره کرد : گستره ای پیوسته که در آن اشیا وجود دارند و حرکت می کنند؛مقداری از یک منطقه که چیز خاصی آن را اشغال می کند یا برای هدف خاصی در اختیار گرفته شده است ؛ و یا فاصله میان نقاط و اشیا.

–فضا در پست مدرن

بحث فضا در حیطه مباحث پست مدرنیته ، با رویکرد اندیشه های میشل فوکو و آنری لوفبور (البته با نقش پررنگ تر از فوکو) شکل گرفت و در دهه ی ۸۰ میلادی ، سنت قدیمی تاریخ گرایي در باب فضا (فضا به عنوان امری مرده ، ثابت ، غیر دیالکتیک و بی تحرک) ، به چالش کشیده شد . از این زمان است که به نحوی بارز ، نوعی جغرافیای انتقادی و پست مدرن شکل می گیرد.

هم سو با این روند ، در حیطه ادبیات داستانی ، نویسندگانی همچون ایتالوکالوینو با رمان هایی مانند (اگر شب های زمستان مسافری) و (کمدی کیهانی) ، و تام استاپارد با نمایشنامه (پاپین آمدن هنرمند از پلکان) ، در متون داستانی خود جهانی را توصیف می کنند که مشخصه های آن قرابت خاصی با مباحث پست مردن دارد . از مشخصات بارز این داستان های پست مدرن ، بی اعتبار کردن مفاهیم سنتی زمان و فضا است . به عنوان مثال ، رویداد (الف) در زمان (A) و رویداد (ب) در زمان (B) رخ می دهد . اما بحث و مذاکره بر سر حکایت رویداد (ب) که هم اکنون اتفاق افتاده را در زمان (A) می پذیرد و روایت در زمان (B) ادامه می یابد چنان که گویی رویداد (الف) رخ نداده است . این مطلب جهان داستانی پست مدرن را منعکس می کند ، یعنی جایی که زمان های آینده و گذشته و همه ی انشعابات ازلی و ابدی درهم تنیده شده اند آنگاه به گونه ای بی زمانی می رسند . از سویی مفهوم فضای پست مدرن در مطالعات اخیر جای ویژه ای را به خود اختصاص داده است . مطالعه دقیق و همه جانبه ی قدرت و توانمندی فضاهای معاصر و ارتباط آنها با مقولاتی چون فضای ذهنیت و بازنمایی و طرح مسائلی در خصوص جنسیت ، جنس ، طبقه ، قومیت و نژاد ، به گسترش و بسط دیدگاه ها و نظرات سنتی درباره ی سیاست ها و خط مشی های اتخاذ شده در مورد مقوله فضا (جا و مکان) انجامیده است . آثار متعددی در این حوزه به رشته تحریر در آمده اند؛

ما درون مجموعه ای از روابط زندگی می کنیم که محل ها را ترسیم می کنند ؛ محل هایی که قابل فروکاست به یکدیگر نیستند

قابل توجه مدرسین محترم : حداقل ۴ صفحه در هر هفته برای ارایه محتوای درس و یک صفحه برای خلاصه درس و نمونه سولات در نظر گرفته شود.



و مطلقاً نمی توان تصویر آنها را روی همدیگر انداخت . این فضاهای ناهمگون شامل محل ها و روابط یا به قول فوکو دیگر مکان ها است و در جامعه ای برساخته می شوند ، لیکن اشکال کاملاً متنوع به خود می گیرند و در طول زمان تغییر می کنند ف به گونه ای که تاریخ در مکان مندی پیوسته اش ظاهر می شود . به عنوان نمونه ، گورستان ، سالن تئاتر و پارک ، موزه و کتابخانه ، بازار ، پادگان ، زندان و حمام عمومی ، فوکراین (مکان های واقعی) را در مقابل با مکان های اساساً غیر واقعی آرمان شهرها قرار می دهد ؛ آرمان شهرهایی که معرف جامعه در شکل بی نقص یا اساساً زیر و رو شده هستند .

از این رو ، دیگر مکان قادر است که در یک مکان منفرد واقعی ف شماری مکان ها و شماری محل ها را در کنار یکدیگر قرار دهد ، منفرد واقعی ، شماری مکان ها و شماری محل ها در کنار یکدیگر قرار دهد ، مکان ها و محل هایی که فی نفسه مغایر یکدیگرند آنها در ارتباط با کل فضایی که باقی می ماند ، واجد نوعی کارکرد هستند .